



مقایسه همدلی و نظریه‌ی ذهن در افراد سالمند عضو مؤسسات خیریه و عادی

الناز تقی‌زاده جدیکار*^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱۰/۲۴

چکیده

پژوهش حاضر مقایسه همدلی و نظریه ذهن در سالمندان عضو مؤسسات خیریه و عادی بود. طرح تحقیق مطالعه حاضر از نوع علی مقایسه‌ای بود. در این پژوهش تعداد ۱۲۰ نفر از سالمندان عضو مؤسسات خیریه و ۱۲۰ نفر از سالمندان عادی به شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های واکنش‌های بین فردی و ذهن خوانی از طریق تصویر چشم استفاده شد و در انتها برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. نتایج حاصل از روش تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد که بین سالمندان عضو مؤسسات خیریه و سالمندان عادی از نظر همدلی و نظریه ذهن تفاوت معنی‌دار وجود دارد، بدین معنی که سالمندان خیر نسبت به سالمندان عادی از همدلی و نظریه ذهن بالایی برخوردارند. رفتار نوع‌دوستانه به عنوان رفتارهایی تعریف می‌شود که پاسخ مثبتی برای نیازها و رفاه دیگران با هدف کمک و منفعت رساندن به دیگران به دست می‌دهد. بنابراین همدلی، محرک مهمی در پدیدآیی رفتارهای نوع‌دوستانه به حساب می‌آید. از سویی توانایی درک حالات ذهنی خود، دیگران، ارتباط بین خود و دیگران بخشی از شناخت اجتماعی است که موجب تسهیل و یا فهم تعاملات اجتماعی گردیده و زمینه را برای رفتارهای نوع‌دوستانه مهیا می‌کند.

واژگان کلیدی: همدلی، نظریه ذهن، سالمندی، خیرخواهی و نوع دوستی.

مقدمه

سالمندی دوران حساسی از زندگی بشر بوده و توجه به مسائل و نیازهای این مرحله یک ضرورت اجتماعی است (وحدانی‌نیا، گشتاسبی، منتظری و مفتون، ۱۳۸۴). این دوره، مرحله‌ی مهمی از حیات انسان‌هاست که با تغییرات جسمی، روانشناختی و اجتماعی شگرفی همراه بوده (اسحاقی، شه سنائی و ملت، ۱۳۹۰) و فرایندی تدریجی است که با تغییرات مداوم مشخص می‌گردد (تیلور، لیلیس و لی‌مون، ۲۰۰۵) این فرآیند متوقف یا معکوس نمی‌شود ولی با مراقبت صحیح می‌توان جریان آن را کند کرد (سالک، متانت و سوداگر، ۱۳۸۶). از سویی بسیاری از جوامع، پدیده قرن ۲۱ را رشد سریع جمعیت افراد سالمند دانسته‌اند (وانن، ۲۰۰۱) و در این راستا، تلاش‌هایی را در جهت بهبود و سالم سازی فضای زندگی سالمندان در پیش گرفته‌اند که در این میان ترویج فعالیت‌های عام‌المنفعه و نوع‌دوستانه در جمعیت‌های سالمند از برنامه‌های مترقی به شمار می‌آید. نوع‌دوستی از جمله رفتارهای اجتماع‌پسندانه است که انسان را از حصار خودمحوری خارج ساخته، موجب می‌شود تا با دیگران پیوند صمیمانه برقرار کند و رفتاری داوطلبانه در جهت منافع دیگری، مانند

کمک، همکاری و دلجویی انجام دهد (آیزنبرگ^۱، ۱۳۸۴). هرچند در پدیده نوع دوستی، عوامل متنوعی نقش دارند ولی نقش عوامل عاطفی در شکل‌گیری و تداوم آن برجسته‌تر بوده که در این میان، روان‌شناسان اجتماعی بر نقش پدیده‌ی همدلی توجه ویژه‌ای نموده‌اند. در این راستا عنوان شده است که همدلی ظرفیت بنیادین افراد در تنظیم روابط، حمایت از فعالیت‌های مشترک و انسجام گروهی است که نقشی اساسی در زندگی اجتماعی داشته (ریف، کتلر و ویفرینگ^۲، ۲۰۱۰) و نیروی برانگیزنده رفتارهای اجتماعی و نیز رفتارهایی است که انسجام گروهی را در پی دارد (جولیفی و فارینگتن^۳، ۲۰۰۴، ریف و همکاران، ۲۰۱۰).

همدلی را به عنوان بینش اجتماعی (مونک و لینگ^۴، ۲۰۰۶)، توانایی درک موقعیت‌های عاطفی و شناختی دیگران (دادس^۵ و همکاران، ۲۰۰۰)، احساسات همخوانی با موقعیت شخص دیگری (هافمن^۶، ۲۰۰۰)، تجربه هیجان‌ات مشابه با دیگران و سهیم شدن در حالت‌های هیجانی دیگران (جینی، آلبیرو، بنلی و آلتو^۷، ۲۰۰۷) و هیجان مشاهده‌ای دیگر محور (لابلی، کارلو و روسچ^۸، ۲۰۰۴) مفهوم‌سازی کرده‌اند (به نقل از خانجانی، شریعتی و یادگار، ۱۳۹۳).

از سوی گالو^۹ (۲۰۰۳) بیان می‌کند که: یک رفتار همدلانه پاسخی است که هم دربردارنده‌ی بعد عاطفی و هم بعد شناختی بوده به نحوی که بروز آن در تعاملات اجتماعی مستلزم فهم و درک احساس دیگری و برقراری ارتباط عاطفی با فرد دیگر است. از سوی بنه (بی‌تا) در تقسیم‌بندی این مفهوم بر بعد شناختی، عاطفی و ارتباطی تاکید نموده به نحوی که در بعد شناختی، شخص همدل زاویه‌ی دید فردی دیگر را برمی‌گزیند و سعی می‌کند دنیا را از منظر او ببیند؛ در بعد عاطفی شخص همدل، احساسات و عواطف فردی دیگر را درک و احساس می‌کند و در مؤلفه‌ی ارتباطی، شخص همدل، فهم خود از احساسات دیگری و علاقه‌اش به درک او را با علائم کلامی یا غیر کلامی نشان می‌دهد (به نقل از لطافتی و زرینی، ۱۳۹۲).

افراد همدل افزون بر احساس آشفته‌گی فردی متأثر از آشفته‌گی دیگران، دارای احساس نوعی نگرانی و دغدغه خاطر نسبت به نیازهای دیگران و محاوره‌ی درونی یعنی توانایی گذاردن خود به جای دیگری نیز هستند (بارون و بیرن^{۱۰}، ۱۹۹۷، تروبست، کولینز و امبری^{۱۱}، ۱۹۹۴).

1. Eisenberg
2. Rieffe, Ketelear & Wiefferink.
3. Jolliffe & Farrington
4. Muncer & Ling
5. Dadds
6. Haffman
7. Gini, Albiero, Benelli & Altoe
8. Laible, Carlo & Roesch
9. Gallo
10. Baron & Byrne
11. Trobst, Collins & Embree

هرچند در شکل‌گیری رفتار همدلانه عوامل متنوعی تاثیرگذار هستند ولی یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که در بروز رفتارهای همدلانه، عامل سن تاثیر بسزایی دارد چرا که به موازات گذر زمان، سطح رشد شناختی افراد و تجارب زندگی آنها افزوده شده و زمینه را برای رفتار همدلانه مهیاتر می‌کنند (هافمن^۱، ۱۹۸۷، آنگرا و لانگ^۲، ۲۰۰۶).

در همین راستا باتسون، (۲۰۱۱) عنوان می‌کند که افرادی که قادر به درک موقعیت افراد نیازمند بوده و با آنها همدردی می‌کنند، با احتمال بیشتری به انجام رفتار نوع‌دوستانه دست می‌زنند. ازسویی افرادی که همدلی قوی‌تری نسبت به مسائل دیگران نشان می‌دهند، حساس‌ترند، بطور عاطفی پاسخ می‌دهند و به بهترین شکل کمک می‌کنند (جولیف و فارینگتون^۳، ۲۰۰۶؛ پندر و اوروم^۴، ۲۰۱۰). در همین راستا، مطالعات کوتیرز، اسکارتی و پاسکال^۵ (۲۰۱۱) نشان دادند که بین همدلی و رفتارهای جامعه‌گرا رابطه مثبت وجود دارد.

سز و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی این مورد پرداخته‌اند که القای همدلی بر رفتار مطلوب اجتماعی سالخوردگان اثر می‌گذارد. در پاسخ به القای همدلی (تماشای فیلم‌ها)، سالمندان حالت‌های همدلی هیجانی بیشتری را گزارش کردند و نسبت به بزرگسالان جوان‌تر، رفتار مطلوب اجتماعی بیشتری را از طریق کمک‌های خیریه^۶ نشان دادند (سز و همکاران، ۲۰۱۲). در حالیکه تحقیقات قبلی نشان می‌دهند که همدلی شناختی زیاد ممکن است سطح بالاتری از حالت همدلی هیجانی را در بزرگسالان جوان‌تر آشکار سازد، این رابطه در سالمندان مورد بررسی قرار نگرفته است (رولف، میچل، هابو و جانوسکی^۷، ۲۰۱۲؛ به نقل از ایورسون، بی‌تا).

علاوه بر این ادبیات تئوریک و پژوهشی اخیر پیرامون فرایندهای شناختی درک خود و دیگران و همدلی با آنها به‌توانایی تئوری ذهن^۸ اشاره می‌کند (فلاول، فلاول و گرین، ۱۹۸۳). میزان همدلی با مفاهیم شناختی از جمله نظریه ذهن مرتبط است. مفروضه‌های محوری این نظریه عبارتند از: «ذهن وجود دارد»، «با دنیای بیرونی در ارتباط است»، «مجزا و متفاوت از دنیای بیرون است»، «می‌تواند اشیا و رویدادها را به طور درست یا غلط بازنمایی کند»، و «به طور فعالانه بر نحوه تغییر و تفسیر رویدادها تاثیر می‌گذارد» (میلر^۹، ۱۹۹۳؛ به نقل از جوکار، سامانی و فولادچنگ، ۱۳۷۹).

-
1. Hoffman
 2. Angra & long
 3. Jolliffe & Farrington
 4. Penner & Orom
 5. Cutierrez, Escarti & Pascual
 6. charitable donations
 7. Roalf, Mitchell, Harbaugh & Janowsky
 8. Theory of mind
 9. Miller

شافر^۱ (۲۰۰۰) نیز نظریه‌ی ذهن را وجه تمایز خود عمومی^۲ و خود خصوصی^۳ می‌داند که دلالت بر کسب نظریه‌ی ذهن دارد؛ درک اینکه مردم حالت‌های ذهنی از قبیل باورها، امیال و مقاصدی دارند که اغلب هدایت کننده رفتار آنها است.

داشتن تئوری ذهن فرد را قادر می‌سازد تا درک کند که حالات ذهنی می‌تواند علت رفتار دیگران بوده و از این رو رفتار آنها را تبیین و پیش‌بینی نمود (پریماک و وودراف، ۱۹۷۸) و از این رو، می‌تواند در پدیدآیی همدلی و نیز رفتارهای خیرخواهانه نقش داشته باشد. این توانایی یعنی درک رفتار دیگران و تفاوت باور آنها می‌تواند با توانایی رفتار همدلی، شامل دامنه‌ای از بینش اجتماعی تا توانایی برای فهم حالات عاطفی و شناختی، همسو باشد (ایزنبرگ و همکاران، ۱۹۹۱). کارپندال و لوپس^۴ (۲۰۰۶) از تئوری ذهن به عنوان یکی از توانایی‌های اساسی در همدلی شناختی یاد کردند (به نقل از علی اکبری، جویباری، امیرآبادی، شقاقی، زارع و خالقی، ۱۳۹۲). بنابراین، اصطلاح نظریه ذهن، در اصل برای استنباط اهداف دیگران و اگر بسط داده شود، به نیاتشان اطلاق می‌شود (ریمرز و اوکلی^۵، ۲۰۱۷).

پژوهشی نشان داده شده است که نظریه‌ی ذهن با مهارت‌های تعامل اجتماعی و اطلاعات عمومی نیز ارتباط دارد (باراگان، لورنس، ناوارو و اباپولز^۶، ۲۰۱۱؛ به نقل از شکفته، رفیعی‌نیا و صباحی، ۱۳۹۳). خانجانی و هداوندخانی (۱۳۸۸) در "نظریه ذهن، تحول و رویکردها" آورده‌اند که در توانایی ذهن افراد ۷۴-۶۰ ساله و ۸۹-۷۵ ساله کاهش چشم‌گیری نسبت به افراد جوان‌تر مشاهده شد.

در پژوهشی، برکوویتز^۷ (۱۹۷۲؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۸) نشان داد دیدگاه‌گیری در یاری رساندن به مواردی مانند صندوق‌های خیریه، کارایی ندارد. علاوه بر این جنگیز و آستینگتون^۸ (۱۹۹۶) در زمینه جنسیت و تئوری ذهن نشان دادند که به طور کلی تفاوت معنی داری میان دو جنس وجود ندارد. در مقابل، بوساکی^۹ (۲۰۰۱) و یافته‌های بارون-کوهن و همکاران (۱۹۹۷)، به نقل از غفاری، کریمی و نوذری، (۱۳۹۱) و خواجه مرجان تبریزی، یوسفی طبائی و بافنده (۱۳۹۲) نشان دادند که کارکرد دختران به گونه معناداری از پسران بهتر است.

مبتنی بر آنچه ذکر شد، می‌توان بیان نمود که در خصوص نظریه ذهن پژوهش‌های چندی صورت گرفته است. لکن این امر در خصوص افراد سالمند حائز رفتارهای مطلوب اجتماعی و افراد سالمند عضو مؤسسات خیریه و مقایسه‌ی آنها با

1. Shaffer
2. Public self
3. Private self
4. Carpendale & Lewis
5. Reimers & Oakley
6. Barragan, Laurens, Navarro & Obiols
7. Berkowitz
8. Jenkins & Astigton
9. Bosaki

دیگر افراد سالمند تصریحاتی به عمل نیامده است. براین اساس، سؤال پژوهش حاضر این است که آیا از نظر همدلی و نظریه ذهن، بین سالمندان عضو مؤسسات خیریه و عادی تفاوت وجود دارد؟

روش

جامعه آماری این پژوهش شامل افراد ۶۰ سال و بالاتر بود. ۱۲۰ نفر آنها سالمندان عادی و ۱۲۰ نفرشان سالمندان خیر یا نیکوکار بودند. برای نمونه‌گیری از جامعه سالمندان نیکوکار و عضو مؤسسات خیریه از روش هدفمند و برای انتخاب سالمندان عادی از روش تصادفی استفاده شد. شرایط لازم برای شرکت در پژوهش عبارت بودند از: الف) ابراز همکاری مختارانه بامحقق، ب) داشتن سن ۶۰ سال به بالا، ج) مشارکت در امور خیریه به طور مستمر (برای سالمندان نیکوکار). پس از جلب مشارکت شرکت‌کنندگان، ابزارهای پژوهش در مورد هر یک از افراد به صورت فردی اجرا شد.

ابزار

۱- پرسشنامه‌ی واکنش‌های بین فردی (IRI)^۱: این پرسشنامه یک ابزار خودسنجی با ۲۸ جمله و ۴ خرده مقیاس است که نخستین بار توسط دیویس^۲ (۱۹۸۳) ساخته شد. هر ۴ خرده مقیاس، بعدی از ابعاد همدلی کلی را بررسی می‌کنند (دیویس، ۱۹۸۳). این خرده مقیاس‌ها عبارتند از: ۱- دیدگاه‌گیری ۲- تخیل^۳ ۳- توجه همدلانه^۴ ۴- پریشانی فردی^۵ (دیویس، ۱۹۸۳، ۱۹۹۱، دیویس و همکاران، ۱۹۹۶؛ به نقل از فیض آبادی، فرزاد و شهرآرای، ۱۳۸۶). هر خرده مقیاس در این آزمون، دارای ۷ جمله است. آزمودنی‌ها باید میزانی را که هر جمله توصیف کننده وضعیت آنها می‌باشد در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از ۰، اصلاً مرا توصیف نمی‌کند تا ۴، به خوبی مرا توصیف می‌کند)، مشخص نمایند. دیویس (۱۹۸۰)؛ (۱۹۹۴) ضریب آلفای کرونباخ را برای هر چهار خرده مقیاس بین ۰/۷۱ تا ۰/۷۷ گزارش کرد. او پایایی آزمون-آزمون مجدد را نیز، پس از یک دوره ۴ هفته‌ای، بین ۰/۶۲ تا ۰/۸۰ گزارش نمود (دیویس و همکاران، ۱۹۹۴). ضریب آلفای کرونباخ برای هر خرده مقیاس عبارت بودند از: توجه همدلانه (۰/۶۸)؛ خیال (۰/۷۰)؛ دیدگاه‌گیری (۰/۶۸) و پریشانی فردی (۰/۷۱) (به نقل از فیض آبادی و همکاران، ۱۳۸۶).

۲- آزمون ذهن‌خوانی از طریق تصویرچشم (RMET)^۶: این آزمون یک آزمون عصب روانشناسی مربوط به ذهن‌خوانی است که توسط بارون کوهن و همکاران (۲۰۰۱) ساخته شده است. فرم تجدید نظر شده این آزمون (فرم ۳۶ آیتمی) شامل عکس‌هایی از ناحیه چشم هنرپیشه‌های زن و مرد است. با هر آیتم، چهار توصیف حالت ذهنی (یک حالت هدف و سه حالت انحرافی با همان ارزش هیجانی) ارائه می‌شود. پاسخ دهنده تنها از طریق اطلاعات بینایی موجود در تصویر، باید گزینه‌ای را که به بهترین نحو توصیف‌کننده حالت ذهنی شخص موجود در تصویر است، از بین چهار گزینه

1. Interpersonal Reactivity Index
2. Davis
3. Fantasy
4. Empathic concern
5. Personal distress
6. Reading the Mind in the Eyes Test

انتخاب کند. حداکثر امتیاز قابل اکتساب برای انتخاب واژگان درست در این آزمون 36 و کمترین آن صفر است. در پژوهش حاضر از نسخه کاغذ-مدادی این آزمون استفاده شد. محمودعلیلو، بخشی‌پور، خانجانی و رنجبر (۱۳۹۰) این آزمون را در یک مطالعه مقدماتی روی نمونه ۱۰۰ نفری اجرا کرده‌اند که در این راستا، همسانی درونی به روش کودر ریچاردسون، ۰/۶۹ بدست آمده است. میزان پایایی در این آزمون ۰/۷۱ بوده است.

یافته‌ها

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

گروه	متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
سالمند عادی	همدلی	۶۳/۸۷	۹/۱۴	۱۲۰
	نظریه ذهن	۱۸/۵۱	۴/۲۸	
سالمند خیر	همدلی	۶۵/۴۹	۹/۲۶	۱۲۰
	نظریه ذهن	۱۸/۹۵	۴/۲۲	

مبتنی بر آنچه در جدول ۱ آمده است، در متغیرهای همدلی و نظریه ذهن میانگین گروه سالمندان خیر بیشتر از سالمندان عادی است.

برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد که در ابتدا پیش فرض‌های این روش فاصله‌ای بودن مقیاس متغیرهای مقایسه‌ای، نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد مطالعه، همگنی واریانس خطا، همبستگی متعارف بین متغیرهای مقایسه‌ای و همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس مورد بررسی قرار گرفت که در این راستا نتایج نشانگر تحقق پیش فرض‌ها بود. براین اساس، جهت تحلیل داده‌ها از روش تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد که نتایج در زیر ارائه شده است:

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره تفاوت دو گروه در ترکیب همدلی و نظریه ذهن

آزمون	اندازه	F	df فرض	df خطا	سطح معنی‌داری	مجذور اتا	توان آزمون
لامبدای ویلکس	۰/۷۷	۱۷/۹۲	۴	۲۴۹	۰/۰۰۰۱	۰/۲۲	۱

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بین دو گروه در ترکیب متغیرهای مورد مطالعه تفاوت معنا داری وجود دارد، چرا که F محاسبه شده (۱۷/۹۲) در سطح $P < 0/01$ معنی‌دار است.

جدول ۳: تحلیل واریانس تک متغیره مقایسه نظریه ذهن و همدلی سالمندان عضو موسسات خیریه و عادی

منبع تغییر	متغیر مقایسه‌ای	F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا	توان آزمون
گروه	همدلی نظریه ذهن	۱۸/۷۹ ۳۱/۵۵	۰/۰۰۰۱ ۰/۰۰۰۱	۰/۰۶۹ ۰/۱۱۱	۰/۹۹۱ ۱
خطا	همدلی نظریه ذهن				

جدول ۴: مقایسه‌های زوجی گروه‌ها

متغیر	گروه I	گروه J	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
همدلی	سالمند عادی	سالمند خیر	*-۴/۹۱	۱/۱۳	۰/۰۰۰۱
نظریه ذهن	سالمند عادی	سالمند خیر	*-۳/۰۳	۰/۵۴	۰/۰۰۰۱

* $P < 0/05$

مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد که بین دو گروه مورد مطالعه در متغیر همدلی، از نظر آماری تفاوت معنی‌دار وجود دارد، چرا که F محاسبه شده (۱۸/۷۹) در سطح $P < 0/05$ معنی‌دار است. همچنین در مورد متغیر نظریه ذهن، F محاسبه شده (۳۱/۵۵) است که در سطح $P < 0/05$ معنی‌دار می‌باشد. از سویی با توجه به مندرجات جدول ۴ چنین استنباط می‌شود که میزان همدلی و نظریه ذهن سالمندان خیر بیشتر از سالمندان عادی است.

بحث و نتیجه‌گیری

نخستین یافته این تحقیق نشان داد که بین سالمندان عادی و خیر تفاوت وجود داشته و میزان همدلی سالمندان خیر بیشتر از افراد عادی است. این نتیجه یا نتایج مطالعات علی و همکاران (۲۰۰۹) و لوین^۱ و همکاران (۲۰۰۶) همسو است. این محققان معتقدند همدلی بالاتر منجر به گرایش به دوستی و همدلی پایین‌تر منجر گرایش به غفلت می‌شود. یک فرد همدل، در مواجهه با زندگی و احساسات کسانی که در اطراف او هستند نوع دوستی نشان می‌دهد. با این حال، افرادی که فاقد همدلی هستند به دیگران ارزش قائل نبوده و صرف نظر از اثر اعمالشان بر دیگران، فقط درگیر منافع خود و جاه‌طلبیشان هستند (به نقل از میزاری عالی و دشت بزرگی، ۲۰۱۶).

همچنین این نتیجه با مطالعات کوتیز و همکاران (۲۰۱۱؛ به نقل از خدابخش و منصوری، ۱۳۹۰) همسو است که نشان دادند بین همدلی و رفتارهای جامعه‌گرا رابطه مثبت وجود دارد و نیز با مطالعات آدرمن و برکویتز^۲ (۱۹۷۰)، کوک،

1. Levine
2. Aderman & Berkowit

باتسون و مک دیویس^۱ (۱۹۷۸)، هاریس و هانگ^۲ (۱۹۷۳)، همسو است که نشان دادند حس همدلی برای شخص نیازمند، یک محرک مهم برای کمک کردن است.

در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که یکی از ویژگی‌های افراد خیر، رفتارهای نوع‌دوستانه است که به عنوان رفتارهایی تعریف می‌شود که پاسخ مثبتی برای نیازها و رفاه دیگران با هدف کمک و منفعت رساندن به دیگران به دست می‌دهد (موجسک و فیتز^۳، ۲۰۱۱). این رفتارها شامل، اشتراک گذاشتن، محبت، احترام، همکاری، حمایت برای نجات دادن دیگران از خطر و احساس همدردی با دیگران است (دلایگنا، لست و مالمندیر^۴، ۲۰۱۲). در این خصوص باتسون (۲۰۱۱) در تبیین، نوع‌دوستی را رفتار مبتنی بر توانایی همدلی با دیگران تعریف کرد. او اظهار داشت که افرادی که بیشتر قادر به درک موقعیت افراد نیازمندند و با آن‌ها همدردی می‌کنند، با احتمال بیشتری دست به انجام یک عمل نوع‌دوستانه یا رفتار نوع‌دوستانه می‌زنند. افرادی که همدلی قوی‌تری نسبت به مسائل دیگران نشان می‌دهند، حساس‌ترند، بطور عاطفی پاسخ می‌دهند و به بهترین شکل کمک می‌کنند (جولیف و فارینگتون، ۲۰۰۶؛ پتر و اوروم، ۲۰۱۰؛ به نقل از میزاری عالی و دشت بزرگی، ۲۰۱۶).

هینز و اوری^۵ (۱۹۷۹) همدلی را با عنوان توانایی تشخیص و فهم ادراکات و احساسات فرد مقابل و انتقال دقیق این فهم از راه یک پاسخ پذیراگر تعریف نموده‌اند. جنبه‌های مهم همدلی عبارتند از آگاهی از حالت هیجانی فرد مقابل، درک آن حالت، همانندسازی فردی با موقعیت و ارائه‌ی پاسخ عاطفی مناسب (بولک، ۲۰۰۳؛ به نقل از زرشقایی و همکاران، ۱۳۸۹).

افراد همدل افزون بر احساس آشفتگی فردی به خاطر آشفتگی دیگران دارای احساس همدلانه – احساس نوعی نگرانی و دغدغه خاطر نسبت به نیازهای دیگران و محاوره‌ی درونی یعنی توانایی گذاردن خود به جای دیگری هستند (بارون و بیرن، ۱۹۹۷، تروپست و همکاران، ۱۹۹۴؛ به نقل از زرشقایی و همکاران، ۱۳۸۹). افراد همدل، سه خصیصه مهم دارند: اول اینکه، درباره‌ی نیازهای دیگران نوعی احساس نگرانی دارند. دوم اینکه، با دیگران اشتراک نظر دارند؛ یعنی قادرند خود را به جای دیگران بگذارند و به مسائل از نگاه آنان بنگرند. سوم اینکه، دارای احساسات همدلانه هستند که آن را از طریق رفتارهای متناسب نشان می‌دهند (هراتیان و نودری، ۱۳۹۰).

از نظر راجرز «همدلی توانایی ورود به دنیای احساس طرف مقابل است. این به معنای تجربه‌ی موقت زندگی او از دریچه‌ی نگاه خود اوست.

1. Coke, Batson & McDavis
2. Harris & Huang
3. Mujcic & Frijters
4. DellaVigna, List & Malmendier
5. Hynes & Avery

همدلی ظرفیت بنیادین افراد در تنظیم روابط، حمایت از فعالیتهای مشترک و انسجام گروهی است. این توانایی نقشی اساسی در زندگی اجتماعی دارد (ریف و همکاران، ۲۰۱۰). همدلی و پاسخ عاطفی فرد به واکنش‌های عاطفی دیگران است (علی و همکاران، ۲۰۰۹). بر اساس دیدگاه‌های بین شخصی، الگوهای بین شخصی غیرانطباقی، نتیجه تعاملات جاری فرد و محیط اجتماعی او است. روابط بین شخصی، نه تنها رفتار اجتماعی را شکل می‌دهند، بلکه بر احساس فرد از خود و دیگران نیز تأثیر گذارند (الدن و تیلور^۱، ۲۰۰۴؛ به نقل از بشارت، خدابخش، فراهانی و رضازاده، ۱۳۹۰).

بر این اساس، همدلی در استدلال اخلاقی، برانگیختن رفتارهای جامعه پسند، نقش حیاتی دارد (آیزنبرگ و همکاران، ۲۰۰۵). به بیان دیگر، همدلی را می‌توان یک حالت احساسی تعریف نمود که بواسطه‌ی شکل‌گیری تکرار کردن حالت عاطفی فرد دیگر در درون خود، همراه با احساس حسن نیت آغاز می‌شود (لایت و همکاران، ۲۰۰۹). مبتنی بر فرضیه همدلی - نوع دوستی باتسون و همکاران (۱۹۹۱) عمل نوع دوستانه ناب می‌تواند به طور قابل اعتماد رخ دهد، به علت اینکه توجه همدلانه به دیگری پیشاپیش آن قرار می‌گیرد. توجه همدلانه به عنوان یک واکنش هیجانی با احساساتی از قبیل شفقت، دلسوزی، دل‌رحمی و همدردی تعریف می‌شود. باتسون و همکاران (۱۹۸۱) در قالب نظریه همدلی که عمدتاً معطوف به تبیین ویژگی‌های افراد نوع‌دوست است معتقدند افرادی که در مواجهه با وضعیت‌های اضطراری، قادر باشند خود را به جای فرد نیازمند به کمک بگذارند و با فرد نیازمند همدلی کنند بیشتر محتمل‌تر است اقدام به رفتار نوع‌دوستانه نمایند. براین اساس سالمندان خیر از میزان همدلی بیشتری برخوردارند. بنابراین، همدلی محرک مهمی در پدیدآیی رفتارهای نوع‌دوستانه به حساب می‌آید (آیزنبرگ و فابس^۲، ۱۹۹۸؛ به نقل از استرایر و رابرتز^۳، ۲۰۰۴).

تجربه‌ی همدلی، منجر به رشد مسئولیت (اهمیت دادن به دیگران براساس درک و دریافت شرایط و احساساتشان) و احساسات مثبت می‌شود (دویدو، پیلیوین، شرودر و پندر^۴، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، مسئولیت یکی از اصول نوع‌دوستی است، یعنی: فرد باید خودش را به عنوان مسئول و نه بی‌تفاوت نسبت به دیگران فرض کند (لاتانه و دارلی^۵، ۱۹۷۰). بنابراین، درونی‌سازی مسئولیت گرایش به نوع‌دوستی را تقویت می‌کند، درحالی‌که فقدان آن موجب افزایش بی‌تفاوتی می‌شود (لوین و همکاران، ۲۰۰۶). تاسی^۶ (۲۰۰۳) بیان می‌کند افراد نوع‌دوست، شادتر از افرادی هستند که احساسات نوع‌دوستانه را رشد نداده‌اند. علاوه براین، القای شادی افراد به هوشمندتر، سازنده‌تر، هشیارتر، و مسئول‌تر منجر می‌شود (به نقل از میزاری عالی و دشت بزرگی، ۲۰۱۶).

-
1. Alden & Taylor
 2. Fabes
 3. Strayer & Roberts
 4. Dovidio, Piliavin, Schroeder & Penner
 5. Latane & Darley
 6. Tacey

باتسون و همکاران (۱۹۸۱) در قالب نظریه همدلی که عمدتاً معطوف به تبیین ویژگیهای افراد نوع‌دوست است و معتقدند افرادی که در مواجهه با وضعیت‌های اضطراری، قادر باشند خود را به جای فرد نیازمند به کمک بگذارند و با فرد نیازمند همدلی کنند بیشتر محتمل‌تر است اقدام به رفتار نوع‌دوستانه نمایند.

توضیح اینکه، همدلی یکی از اجزای شناخت اجتماعی است که به خوبی می‌تواند نحوه روابط بین فردی را تبیین کند. در این راستا، آیزنبرگ (۱۹۹۸) همدلی را علت نوع‌دوستی می‌داند. به تعبیری، در متون روان‌شناسی، یکی از انگیزه‌های زیربنایی رفتار نوع‌دوستانه، فرضیه احساس همدردی- ایثارگری بوده که منظور از آن، این است که تحت بعضی شرایط، احساس قوی همدردی و دلسوزی نسبت به قربانی موجب کمک‌عاری از خودخواهی می‌شود (بردستانی، ۱۳۸۳). سالمندانی هستند که علاقه‌ی زیادی به کمک رساندن به دیگران دارند. این سالمندان خیر، با دیگران همدلی می‌کنند و بنابراین می‌توانند درک کنند که فرد در شرایط به خصوص، چه احساسی می‌تواند داشته باشد، در این صورت نسبت به سالمندان عادی، بهتر و راحت‌تر می‌توانند به هم‌نوعان خود یاری برسانند.

دومین یافته این تحقیق نشان داد که بین سالمندان عادی و خیر تفاوت وجود داشته و میزان نظریه ذهن سالمندان خیر بیشتر از افراد عادی است.

نتایج تحقیقات کربز^۱ (۱۹۷۵) و باتسون و توئی^۲ (۱۹۸۲) نشان دادند که با افزایش پاسخ عاطفی، میزان نوع‌دوستی افزایش می‌یابد (به نقل از نریمانی، صادقیه اهری، اسماعیلی نژاد و سلیمانی، ۱۳۹۲). از سوی پژوهش احمدی (۱۳۸۸) که از یک واقعیت‌ساختگی، برای سنجش نوع‌دوستی استفاده نمود، نشان داد رابطه معنی‌داری بین دیدگاه‌گیری دیگران و نوع‌دوستی وجود دارد.

در توضیح این نتیجه می‌توان عنوان کرد که ویژگی اصلی رفتار اجتماعی انسان که باعث تمایز او از سایر حیوانات می‌گردد، ظرفیتش برای تعامل دوسویه با دیگران است. این ویژگی مستلزم آن است که فرد بداند دیگران چگونه فکر می‌کنند و دارای چه احساسی هستند. چنین ظرفیتی «نظریه ذهن» نامیده می‌شود (برج^۳، ۱۹۹۷، پریماک و وودرف، ۱۹۷۸؛ به نقل از مشهدی، ۱۳۸۲).

میلر (۱۹۹۳) بیان می‌کند داشتن نظریه ذهن به طور فعالانه بر نحوه تغییر و تفسیر رویدادها تاثیر می‌گذارد (به نقل از جوکار و همکاران، ۱۳۷۹). نظریه ذهن سازه‌ای شناختی است که کار آن پردازش حالات ذهنی خود و دیگران و در نتیجه درک و پیش‌بینی رفتار آن‌هاست و پایه و اساس ادراک اجتماعی است (امین یزدی، ۱۳۸۶).

1. Krebs
2. Toi
3. Birch

داشتن تئوری ذهن موجب می‌شود افکار، خواسته‌ها، و مقاصد را به دیگران نسبت داده و اعمالشان را تبیین نموده و پیش‌بینی کنیم و مقاصدشان را مطرح کنیم. نظریه ذهن فرد را قادر می‌سازد تا درک کند که حالات ذهنی می‌تواند علت رفتار دیگران بوده و از این رو رفتار آن‌ها را تبیین و پیش‌بینی نمود (پریماک و وودراف، ۱۹۷۸). بر این اساس، داشتن نظریه ذهن بالا می‌تواند در پدیدایی رفتارهای نوع دوستانه نقش داشته باشد. به بیان دیگر، رفتار نوع دوستانه عبارت است از رفتارهایی که پاسخی مثبت، به رفاه و نیازهای دیگران هستند و هدف آنها کمک به اطرافیان بوده و در عین حال باعث نفع رساندن به دیگران می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰). از جمله این رفتارها می‌توان به سهیم شدن، محبت کردن، توجه نشان دادن، همکاری کردن، حمایت کردن، نجات دادن دیگران از خطر و احساس همدلی کردن با دیگران اشاره کرد (الول، ۲۰۰۲؛ به نقل از دشت بزرگی و صفرزاده، ۱۳۹۳). آنچه که روشن است این است که نظریه ذهن به عنوان "دقت همدلانه" تعریف می‌شود.

از سوی دیگر فرض می‌شود که آدمی قابلیت نسبت دادن حالات ذهنی به دیگران را دارا است به نحوی که سپس این حالات ذهنی را به سایر افراد نسبت داده و بر این اساس حالات درونی افراد را با واژگانی چون درد، احساس، باور و... توصیف می‌کند (فرهنگ وصال، ۱۳۹۰). فلاول علاوه بر مطالعه دیدگاه‌گیری بین فردی که مربوط به تشخیص تفاوت بین دیدگاه خود فرد و دیگران می‌باشد، به دیدگاه‌گیری درون فردی یا تمایز بین ظاهر و واقعیت نیز پرداخته است. به نظر او دیدگاه‌گیری درون فردی تقریباً همزمان با دیدگاه‌گیری بین فردی ظاهر می‌شود و هر دو نیز وابسته به ساز و کار واحدی هستند. در دیدگاه‌گیری درون فردی یا تمایز بین ظاهر و واقعیت این امر بررسی می‌شود که آیا فرد می‌تواند تفاوت بین دیدگاه مربوط به خود را تشخیص دهد (جوکار و همکاران، ۱۳۷۹).

همچنین در مورد وجود نظریه ذهن بالا در افراد خیر می‌توان عنوان نمود که توانایی درک حالات ذهنی خود، دیگران، ارتباط بین خود و دیگران و ارتباط دیگران با بخشی از شناخت اجتماعی است که موجب تسهیل و یا فهم تعاملات اجتماعی می‌گردد (بوکینو، بینکوفسکی، فینک^۱ و همکاران، ۲۰۰۱). انسان موجودی اجتماعی است و همواره نیازمند پیش‌بینی رفتار دیگران در گروه‌های اجتماعی مختلف است. توانایی تئوری ذهن یا ذهن‌خوانی به عنوان بخشی از شناخت اجتماعی، عنصر مهمی از مجموعه توانایی‌هایی است که «هوش اجتماعی» نیز نامیده می‌شود (سینگر^۲، ۲۰۰۶، امین‌یزدی، ۱۳۸۶) (به نقل از نجاتی، ذبیح‌زاده، نیک فرجام، نادری و پورنقد علی، ۱۳۹۰).

نظریه ذهن دو مؤلفه دارد: اول، مؤلفه اجتماعی - ادراکی است که توانایی درک حالت ذهنی دیگران با استفاده از نشانه‌های موجود از قبیل چهره و حرکات بدن است و دوم مؤلفه اجتماعی - شناختی نظریه ذهن است

1. Buccino, Binkofski & Fink
2. Singer

که شامل توانایی استدلال درباره محتوای حالت ذهنی دیگران می‌شود. با این استدلال‌ها می‌توان فعالیت دیگران را پیش‌بینی کرد (نتل و لیدل^۱ ۲۰۰۸؛ به نقل از شکفته و همکاران، ۱۳۹۳).

زان شاین^۲ (۲۰۰۳) ذهن‌خوانی را خواندن ذهن دیگران بیان می‌کند (به نقل از قمرانی و همکاران، ۱۳۸۵). این توانایی به افراد کمک می‌نماید تا با در نظر گرفتن احساسات، عقاید و نیت‌های دیگران، توصیف و تبیین صحیحی از رفتارشان داشته باشند (هاپه^۳، ۱۹۹۵). شافر^۴ (۲۰۰۰) نیز نظریه‌ی ذهن را وجه تمایز خود عمومی^۵ و خود خصوصی^۶ می‌داند که دلالت بر کسب نظریه‌ی ذهن دارد؛ درک اینکه مردم حالت‌های ذهنی از قبیل باورها، امیال و مقاصد دارند که اغلب هدایت‌کننده رفتار آنها است. آستینگتون^۷ (۱۹۹۳) نیز نظریه‌ی ذهن را درک تعامل اجتماعی به وسیله اسناد باورها، امیال، قصدها و هیجان‌ها به خود و دیگران به منظور تبیین و پیش‌بینی رفتار تعریف می‌کند. اکتساب نظریه‌ی ذهن بر بازشناسی مقوله‌های مختلف ذهن، از جمله رؤیاهای، تخیل و باورها و نیز داشتن یک چهارچوب علی - تبیینی^۸ برای به حساب آوردن اعمال افراد دیگر دلالت دارد؛ یعنی، تبیین اینکه چرا شخصی رفتاری را انجام می‌دهد (بورکلند^۹، ۲۰۰۰؛ به نقل از مشهدی، ۱۳۸۲).

در خصوص اهمیت نظریه‌ی ذهن، ولمن^{۱۰} (۱۹۹۰) به نقل از گریگوری^{۱۱} و همکاران، (۲۰۰۲)، معتقد است که نظریه‌ی ذهن پیش‌نیازی برای درک محیط اجتماعی و لازمه‌ی درگیری در رفتارهای اجتماعی رقابت‌آمیز می‌باشد. بر این اساس، افراد حائز نظریه‌ی ذهن بالا، پاسخی مثبت به رفاه و نیازهای دیگران داشته و هدفشان کمک به دیگران است. لذا رفتار نوع‌دوستی بیشتری نشان می‌دهند (قره باغی، وفایی، الهیاری و بهرامی احسان، ۱۳۹۱).

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی بود که از آن جمله این تحقیق در شهر تبریز انجام شده است و در تعمیم یافته‌ها به سایر شهرها و افراد باید جانب احتیاط رعایت شود. در این تحقیق، تفکیک بین زنان و مردان صورت نگرفته است. در این تحقیق، سالمندان به افراد ۶۰ ساله محدود شده و از ابزارهای خودگزارشی استفاده شده است که امکان وجود سوگیری در پاسخدهی را ممکن می‌سازد.

-
1. Nettle & Liddle
 2. Zunshine
 3. Happe
 4. Shaffer
 5. Public self
 6. Private self
 7. Jenkins & Astigton
 8. Causal - explanatory
 9. Bjorklund
 10. Bartsch & Wellman
 11. Gregory, Lough, Stone, Erzinclioglu, Martine, Baron-Cohen & Hodges

براین اساس پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات بعدی، در سایر شهرها نیز انجام شده تفکیک بین زنان و مردان انجام شود. در بررسی، سالمندان سنین بالاتر نیز مورد نظر قرار گیرند. بعلاوه برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای دیگر نظیر مصاحبه‌های ساختاریافته نیز استفاده شود.

منابع

- احمدی، سیروس (۱۳۸۸). بررسی نوع‌دوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره دوم، تابستان. صفحه ۱۰۸-۸۷.
- اسحاقی، سیدرضا. شاه‌ثنایی، آرمیندخت و ملت اردکانی، مریم (۱۳۹۰)، وضعیت فعالیت بدنی سالمندان شهراصفهان، مجله دانشکده پزشکی اصفهان، دوره بیست و نهم، شماره صد و چهل و هفتم، تابستان. صفحه ۹۴۶-۹۳۹.
- امین‌یزدی، امیر (۱۳۸۶). شناخت اجتماعی و زبان. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (علمی-پژوهشی)، دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان. صفحه ۱۳۴-۱۱۵.
- بشارت، محمدعلی. خدابخش، محمدرضا. فراهانی، حجت‌الله و رضازاده، سیدمحمدرضا (۱۳۹۰)، نقش واسطه‌ی خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی، فصلنامه‌ی روان‌شناسی کاربردی، سال پنجم، دوره هفدهم، شماره اول، صفحه ۲۳-۷.
- جوکار، بهرام. سامانی، سیامک و فولادچنگ، محبوبه (۱۳۷۹)، دیدگاه‌گیری در کودکان پیش‌دبستانی: بررسی مقایسه‌ای درون فردی و بین فردی، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال پنجم، شماره دوم، ۱۶۰-۱۳۷.
- خانجانی، زینب و هداوند خانی، فاطمه (۱۳۸۸)، نظریه‌ی ذهن: تحول و رویکردها، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز، شماره شانزدهم، ۱۱۹-۸۹.
- خانجانی، زینب. شریعتی، مریم و یادگار، امین (۱۳۹۳)، مقایسه تحول همدلی در کودکان دارای اختلالات درونی‌سازی ۵ تا ۱۱ سال، نشریه علمی-پژوهشی آموزش و ارزشیابی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، صفحه ۵۰-۳۹.
- خدابخش، محمدرضا و منصوری، پروین (۱۳۹۰)، همدلی و بازی‌ن نقش آن در بهبود نقش پزشک-بیمار، اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره چهارم، شماره سوم. صفحه ۴۶-۳۸.
- خواجه مرجان تبریزی، نیر. یوسفی طبائی، سید محمد و بافنده، حسن (۱۳۹۲)، تعیین سطوح نظریه ذهن و رابطه آن با ویژگی‌های دموگرافیک دانش‌آموزان پنجم ابتدایی مدارس شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۱-۹۲، زن و مطالعات خانواده، دوره ششم، شماره بیست و یکم، پاییز. صفحه ۱۴۴-۱۳۱.
- دشت بزرگی، زهرا و صفرزاده، سحر (۱۳۹۳)، مقایسه نوع‌دوستی، حس همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بین مشاوران زن و مرد شهر اهواز، مجله روان‌شناسی اجتماعی، دوه نهم، شماره سی و یکم، تابستان. صفحه ۱۱۶-۱۰۵.
- زرشقای، مسعود. نوری، ابوالقاسم و عریضی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، کفایت شاخص‌های روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی مقیاس همدلی هیجانی متعادل، مجله‌ی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، جلد اول، شماره‌ی اول، صفحه ۵۰-۳۹.
- سالک، ملیحه. منتانت، سعیده و سوداگر، طاهره (۱۳۸۶)، سلامت سالمندان، فصلنامه بهروز، دوره هجدهم، شماره چهارم، زمستان، صفحه ۷۷-۹.

- شکفته، سعیده. رفیعی نیا، پروین و صباحی، پروین (۱۳۹۳)، مقایسه‌ی نظریه‌ی ذهن و بازشناسی هیجان چهره‌ای در افراد روان‌پزیش گرا، روان‌رنجور گرا و عادی، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، شماره اول، بهار، ۲۸-۲۱.
- عبدی، محمدرضا. نجاتی، وحید. ذبیح‌زاده، عباس. محسنی، مصطفی و محمدی، روح الله (۱۳۹۱)، مقایسه‌ی توانایی‌های همدلی و ذهن‌خوانی در زوجین متقاضی طلاق و گروه عادی، اندیشه و رفتار، دوره هفتم، شماره بیست و ششم، پاییز. صفحه ۸۱-۷۱.
- علی اکبری، مهناز. کاکاجویباری، علی اصغر. امیرآبادی، فاطمه. شقاقی، فرهاد. زارع، نوشین و خالقی، فائزه (۱۳۹۲). بررسی نقش تئوری ذهن و کارکردهای اجرایی در پیش‌بینی همدلی. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، دوره پانزدهم، شماره دوم. صفحه ۱۰-۱.
- غفاری، غلامرضا. کریمی، علیرضا و نوذری، حمزه (۱۳۹۱)، روند مطالعه کیفیت زندگی در ایران، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، شماره سوم، پاییز. صفحه ۱۳۴-۱۰۷.
- فرهنگ وصال، نوید (۱۳۹۰)، روان‌شناسی عامه: نظریه ذهن یا شبیه‌سازی، پژوهش‌های فلسفی، شماره نوزدهم، بهار و تابستان، ۱۳۷-۱۵۵.
- فقیهی، علی نقی. سبحانی‌نژاد، مهدی و نجفی، حسن (۱۳۹۲)، مبانی پژوهش صله رحم و نقش آن در سبک زندگی اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، دوره ششم، شماره بیست و دوم، زمستان. صفحه ۸۲-۵۹.
- فیض‌آبادی، زهرا. فرزاد، ولی اله و شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۶). بررسی رابطه همدلی با سبک‌های هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی. مطالعات روانشناختی، دوره دوم، شماره سوم. صفحه ۹۰-۶۵.
- قره‌باغی، فاطمه. وفایی، ماریلا آگیلار. الهیاری، عباسعلی و بهرامی احسان، هادی (۱۳۹۱)، بررسی نقش مستقل و همزمان تعارض والدین و خلق کودک در پیش‌بینی رفتار نوع‌دوستی کودک، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، شماره چهارم، بهار، ۵۱۱-۴۹۰.
- قمرانی، امیر. البرزی، شهلا و خیر، محمد (۱۳۸۵)، بررسی روایی و اعتبار آزمون نظریه‌ی ذهن در گروهی از دانش‌آموزان عقب مانده ذهنی و عادی شهر شیراز، مجله‌ی روان‌شناسی، دوره‌ی دهم، شماره‌ی دوم، ۱۹۹-۱۸۱.
- لطفاتی، رویا و زرینی، عاطفه (۱۳۹۲)، همدلی الگوی رفتاری مؤثر در رابطه‌ی متقابل مدرس و زبان‌آموز، دو ماهنامه‌ی جستارهای زبانی، دوره بیست و دوم، شماره اول، صفحه ۲۲۹-۲۵۲.
- مشهدی، علی (۱۳۸۲)، نظریه ذهن: رویکرد جدید به روان‌شناسی تحولی، تازه‌های علوم شناختی، شماره سوم، ۸۳-۷۰.
- نجاتی، وحید. ذبیح‌زاده، عباس. نیک فرجام، محمدرضا. نادری، زهره و پورنقد علی، علی (۱۳۹۰)، رابطه‌ی بین ذهن آگاهی و ذهن‌خوانی از روی تصویر چشم، مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان، دوره چهاردهم، شماره اول، ۴۲-۳۷.
- نریمانی، محمد. صادقیه اهری، سعید. اسماعیلی نژاد، علی و سلیمانی، اسماعیل (۱۳۹۲)، مقایسه نوع دوستی، حس همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در افراد داوطلب و غیر داوطلب اهدای خون، فصلنامه‌ی پژوهشی خون، دوره دهم، شماره دوم، تابستان. ۱۹۷-۱۹۰.
- وحدانی‌نیا، مریم سادات. گشتاسی، آریتا. منتظری، علی و مقتون، فرزانه (۱۳۸۴)، کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی در سالمندان: مطالعه جمعیتی، پایش، دوره چهارم، شماره دوم. صفحه ۱۲۰-۱۱۳.
- هراتیان، عباس علی و نوذری، محمود (۱۳۹۰). تأثیر بازبهای رایانه‌ای بر میزان همدلی نوجوانان. روانشناسی و دین، دوره چهارم، شماره چهارم. صفحه ۱۴۰-۱۲۱.

- Batson, C. D., Duncan, B. D., Ackerman, P., Buckley, T., & Birch, K. (1981). Is empathic emotion a source of altruistic motivation? *Journal of Personality and Social Psychology*, 40(13), 290-302.
- Felavell, J.H., Flavell, E.R., & Green, F.L. (1983). Development of appearance – reality distinction. *Cognitive Psychology*, 15, 95-120.
- Gregory, C., Lough, S., Stone, V., Erzinclioglu, S., Martine, L., Baron-Cohen, S., & Hodges, J.R. (2002). Theory of mind in patient with frontal variant fronto temporal dementia and alzheimer's diseases: Theoretical and practical implication. *Brain*, 125, 752- 764.
- Iverson, E. (...). Helping Others Helps Me: Prosocial Behavior as a Function of Identity development and self-regulation in emerging adulthood. *Prosocial behavior in emerging adulthood*, 1-36. <https://gustavus.edu/psychology/documents/iversonemma.pdf>
- Meyzari Ali, R., & Dasht Bozorgi, Z. (2016). The Relationship of Altruistic Behavior, Empathetic Sense, and Social Responsibility with Happiness among University Students. *Research Papers*, 4(1), 51-56.
- Premack, D., & Woodruff, G. (1978). "Does the chimpanzee have a theory of mind?" *Eehavioral Brain Science*, 4, 515-526.
- Reimers, M., & Oakley, B. (2017). Empathy, Theory of Mind, Cognition, Morality, and Altruism. *On Human Nature*, <http://dx.doi.org/10.1016/B978-0-12-420190-3.00021-1>, Chaptr21, 355-363.
- Sze, J. A., Gyurak, A., Goodkind, M. S., & Levenson, R. W. (2012). Greater emotional empathy and prosocial behavior in late life. *Emotion*, 12, 1129–1140.
- Taylor, C., lillis, C., & LeMone, P. (2005). Fundamentals of nursing: The art and science of nursing care. 5 ht ed. *Philadelphia: Lippincott*, 53-68.
- Vossen, G.M., Piotrowski, T., & Valkenburg, M. (2015). Development of Adolescent Measure of Empathy and Sympathy. *Personality and individual differences*, 74, 66-71.
- Waneen, N. (2001). Exercise dose response effects on quality of life and independent living in older adults. *Offacil of Amer college of Sport*, 233,250-57.